

## الاهیات آزادی‌بخش امریکای لاتین؛ ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری

یاسر عسگری\* / شمس‌الله مریجی\*\*

### چکیده

گفت‌وگو با پیروان ادیان ابراهیمی و همفکران سیاسی در جهان امروز، از جمله مسائلی است که مورد توجه دولت و مراکز اسلامی کشور ماست. الاهیات آزادی‌بخش امریکای لاتین، از جریان‌های الاهیاتی انتقادی و جدید در دنیای مسیحیت است که بر حضور دین در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأکید می‌کند و ریشه‌های فقر در کشورهای منطقه را حکومت‌های نظامی و وابسته، استعمارگران و شرکت‌های چند ملیتی می‌داند. این الاهیات، مبارزه، آموزش و آگاهی‌بخشی عمومی را راه رسیدن به ملکوت عنوان می‌کند. هدف این پژوهش، شناسایی این الاهیات برای برقراری ارتباط و تعامل با جریان‌های عدالت‌خواه جهانی و تقویت جبهه مقاومت جهانی در برابر استکبار و امپریالیسم جهانی است. روش مطالعه، کتابخانه‌ای است. از نتایج مهم این تحقیق، شناخت دقیق عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و سابقه تاریخی آنها، جهت برقراری تعامل با این جریان الاهیاتی است که رهبران این الاهیات خود را نیازمند آن می‌دانند و آینده مذهب این منطقه را منوط به تعامل و گفت‌وگو با اسلام می‌دانند. کلید واژه‌ها: امریکای لاتین، الاهیات آزادی‌بخش، الاهیات سیاسی، مدلین، مارکسیسم، ترجیح فقرا.

## مقدمه

اصطلاح الاهیات آزادی‌بخش به لحاظ نظری، به هر الاهیاتی گفته می‌شود که شرایط ظالمانه را مورد خطاب قرار داده، یا با آن درافتد. به این معنا، در نظر برخی دین‌پژوهان، الاهیات فمینیستی و الاهیات سیاهان را هم می‌توان نوعی الاهیات آزادی‌بخش دانست. با این حال این اصطلاح برای رویکردی از الاهیات مسیحی به کار می‌رود که ریشه در اوضاع و شرایط امریکای لاتین در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م. داشت. خاستگاه اولیه این الاهیات، امریکای لاتین بوده است؛ ولی در آفریقا و آسیای جنوب شرقی هم رواج روزافزونی پیدا کرده است. این نهضت الاهیاتی، مهم‌ترین ریشه‌های ناکامی و بدبختی جوامع فقیر منطقه امریکای لاتین را حکومت‌های خودکامه و نظامی و وابسته به ابرقدرت‌های بزرگ و استعمار کشورهای امریکای شمالی و اروپایی می‌داند. وظیفه کلیسا را حمایت از محرومان و مقابله با ظالمان می‌داند تا بدین صورت، همگان به رهایی و ملکوت آسمان برسند. این الاهیات، بر ضرورت فقرزدایی و استقلال از طریق مبارزه و آموزش و آگاهی‌بخشی توده مردم پافشاری می‌کند. در این الاهیات، کلیسا باید مشروعیت خود را با رهایی دادن فقرا از فقر بگیرد. باید کتاب مقدس از منظر فقرا خوانده شود و تجربه گردد.

سابقه طرح الاهیات آزادی‌بخش در کشور ما، به پس از پیروزی انقلاب اسلامی و کتاب «فیدل و مذهب» بر می‌گردد. این کتاب، مجموعه گفت‌وگوهای فیدل کاسترو، رهبر انقلاب کوبا، با فری بتو، کشیش برزیلی طرفدار الاهیات آزادی‌بخش است.<sup>۱</sup> در این اثر، کاسترو از تأثیرات مهم این الاهیات و تأثیرپذیری از آن سخن به میان می‌آورد. در سال ۱۳۶۷، خانم لیلی مصطفوی کاشانی، اقدام به ترجمه چند مقاله درباره این الاهیات در قالب کتابی به نام کلیاتی درباره الاهیات رهایی‌بخش می‌کند. همچنین وی با شخصیت‌های مطرح این نهضت، مجموعه گفت‌وگوهایی را در سال ۱۳۷۴ ش. تحت عنوان «پایان صد سال تنهایی؛ سیری در اعتقادات مذهبی مردم امریکای لاتین» منتشر کرد. البته کتاب‌های ترجمه‌شده در زمینه الاهیات مسیحی در بخش‌های کوتاهی به این الاهیات پرداخته‌اند؛ اما می‌توان گفت این پژوهش، نخستین پژوهش جامع درباره ریشه‌های شکل‌گیری این الاهیات در کشور است. امید است این پژوهش، آغازی برای پژوهش‌هایی درباره عقاید مذهبی و ادیان در مناطقی مانند آفریقا و آسیای مرکزی و... باشد که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرند؛ چراکه مباحث الاهیاتی کنونی عمدتاً محدود به حوزه اروپا و امریکای شمالی است.

پیگیری تحقق عدالت اجتماعی، استکبارستیزی و تأکید بر حضور اجتماعی دین در عرصه اجتماع و سیاست، مهم‌ترین ویژگی‌های این الاهیات است که نظر بسیاری از محققان را به خود جلب کرده است. هر چند واکنش جدی واتیکان و کشورهای استعمارگر منطقه، به خصوص آمریکا را به همراه داشته است.

سؤال اصلی این تحقیق این است که آیا مارکسیسم تنها عامل شکل‌گیری این الاهیات است؟ همچنین اینکه در شکل‌گیری و گسترش این الاهیات چه عواملی تأثیرگذار بوده‌اند؟ مبدأ اولین انعکاسات در حوزه الاهیات را، که سبب ظهور الاهیات آزادی‌بخش شد، می‌توان در متن گفت‌وگوی بین کلیسا و بحران‌های اجتماعی و نیز بین ایمان کلیسایی و رؤیاهای آن برای دگرگونی و آزادسازی انسان‌ها مشاهده کرد. فضای نسبتاً باز پس از شورای دوم واتیکان، ایدئولوژی مارکسیسم و الاهیات سیاسی اروپا، در مجموع به متألهان آمریکای لاتین شهادت داد تا به صورت عمیق راجع به مسائلی که کشور و منطقه آنان را تحت تأثیر قرار می‌داد، فکر کنند. این نوشتار، به مهم‌ترین ریشه‌های شکل‌گیری و مبانی و عوامل گسترش الاهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین می‌پردازد که عبارتند از:

۱. فعالیت‌ها و آثار بارتولومه دلاس کاساس؛<sup>۲</sup> (کشیش اسپانیایی مدافع حقوق بومیان و سرخ‌پوستان آمریکای لاتین).

۲. الاهیات سیاسی در سال‌های ۱۹۶۰م. اروپا، به خصوص اندیشه‌های یورگن مولتمان،<sup>۳</sup> دیتریش بونهافر<sup>۴</sup> و یوهان بابتیست متز.<sup>۵</sup>

۳. شورای دوم واتیکان؛<sup>۶</sup> (سال‌های ۱۹۶۵ - ۱۹۶۲م در رم).

۴. کنفرانس‌های هم‌اندیشی اسقفان آمریکای لاتین، از جمله کنفرانس مدلین<sup>۷</sup> و کنفرانس پوئبلا<sup>۸</sup> که در وحدت رویه کشیشان انقلابی این منطقه در مبارزه با سرمایه‌داری و رهایی مردم فقیر مؤثر بودند.

۵. شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مردم آمریکای لاتین در اواخر دهه ۱۹۵۰. و دو دهه پس از آن؛ از جمله فقر و محرومیت، حاکمیت دیکتاتورها در منطقه و استعمار شرکت‌های چند ملیتی اروپایی - آمریکایی.<sup>۹</sup> طالبات فرانسوی

۶. ایدئولوژی مارکسیسم و رویش و گسترش انقلاب‌های مارکسیستی در منطقه.

۷. آثار و اندیشه‌های پائولو فریره<sup>۱۰</sup> درباره آموزش و آگاهی فقرا و ستمدیدگان.

## مهم‌ترین ویژگی‌ها و رویکردهای الاهیات آزادی‌بخش<sup>۱۱</sup>

پیش از بررسی ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری الاهیات آزادی‌بخش در امریکای لاتین، به صورت گذرا به مهم‌ترین ویژگی‌ها و رویکردهای این الاهیات، که سبب تمایز آن با دیگر الاهیات‌های رایج مسیحی شد، بیان می‌گردد.

### ۱. الاهیات زمینه‌مند<sup>۱۲</sup>

موضوع مشترک در همه آثار مربوط به الاهیات آزادی‌بخش، این است که الاهیات باید زمینه‌مند باشد؛ یعنی عمیقاً با شرایط اجتماعی و فرهنگی خاص آن منطقه مرتبط باشد. در نظر آنان، نظام‌های الاهیاتی اروپا و امریکای شمالی، برای شرایط امریکای لاتین مناسب نیستند؛ از این رو به دنبال الاهیاتی بومی و مختص امریکای لاتین هستند. ضمناً آنان ادعایی در خصوص «الاهیاتی جهان‌شمول» ندارند.<sup>۱۳</sup>

### ۲. رهایی و نجات همه‌جانبه

الاهیات آزادی‌بخش معتقد است که از نظر واتیکان، فقط رهایی درونی انسان‌ها مطرح است؛ ولی در نظر آنان، فقط جنبه معنوی رهایی انسان مطرح نیست. لازمه رهایی انسان‌ها، انقلابی است کامل در ساختارهای جهانی. در نظر رهبران این الاهیات، آنچه که عیسی علیه السلام انجام داد، یورش بود به شالوده ظلم و بی‌عدالتی. به صلیب کشیده شدن عیسی علیه السلام را این‌گونه باید تفسیر کرد که عیسی علیه السلام با ظالمان درگیر شد و درگیری عیسی علیه السلام با گروه‌های حاکم، به معنای تضاد با صاحبان قدرت است. نتیجه این تضاد، مصلوب شدن اوست. آنها معتقدند: «رهايي و آزادي راستين مديون رهايي از ستم و سلطه استعمارگران و همدستان حاکم آنهاست...»؛ از این رو در آثار و اندیشه‌های این الاهی‌دانان، مفهوم رستگاری صرفاً فردگرایانه و روحانی و آن‌جهانی نیست. رهایی همه‌جانبه فردی، معنوی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و این‌جهانی مدنظر است.<sup>۱۴</sup>

### ۳. عیسی علیه السلام الگویی برای مبارزه و حامی فقرا

الاهیات آزادی‌بخش، مسیحیتی تعلیم می‌دهد که محدود به باطن یا شخص نیست؛ بلکه علاوه بر فرد، شامل جامعه، علاوه بر زندگی دیگر، شامل این زندگی و علاوه بر معنویت شامل جسم هم می‌شود. اهمیت عیسی علیه السلام در نظر الاهیات آزادی‌بخش، به مبارزه الگووار وی در راه حمایت از فقرا و ستمدیدگان است. این الاهیات، مأموریت پیروان مسیح را

عمل آزادی‌بخش می‌داند. از این منظر، مأموریت کلیسا نیز در آمریکای لاتین، دگرگون ساختن جامعه در جهت برقراری ملکوت خدا محسوب می‌شود.<sup>۱۵</sup> این الاهیات به مفاهیم سنتی مسیحی که به سمت خصوصی شدن می‌رود، ابعاد اجتماعی و سیاسی می‌بخشد.<sup>۱۶</sup>

#### ۴. ترجیح فقرا؛ گزینش خدا در جانب‌داری از فقرا<sup>۱۷</sup>

الاهیات آزادی‌بخش به افراد تهی‌دست و ستم‌دیده توجه ویژه دارد. تهی‌دستان را منبع اصیل الاهیات در درک حقیقت مسیحیت و عمل به آن می‌داند. معتقد است که کلیسا باید هوادار تهی‌دستان باشد؛ چراکه خدا در نظر آنان، به روشنی و بدون هیچ تردیدی، جانب تهی‌دستان را گرفته است. در نظر ایشان، همه الاهیات و رسالت مسیحی باید با نگاه از پایین و با توجه به آلام و دردهای فقرا و محرومان آغاز شود.<sup>۱۸</sup>

#### ۵. کلیساهای پایه<sup>۱۹</sup>

تصمیم بنیان‌گذاران این الاهیات در جهت «گزینش ترجیحی به نفع فقرا»، اولویت‌ها و قالب‌های تبلیغی را تغییر داد و سبب ابتکارهایی در عرصه تبلیغ مسیحیت شد. بدین ترتیب یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این الاهیات، تأسیس کلیساهای پایه به شمار می‌آید. هدف کلیساهای پایه، برقراری ارتباط بین کتاب مقدس و زندگی روزمره اعضای آنان بود. آنان چیزی «شبهه کلیسا» به شمار می‌آیند، فارغ از هر گونه سلسله‌مراتب کلیسایی.<sup>۲۰</sup>

#### ۶. تقدم عمل بر اندیشه

الاهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین، تأکید بسیاری بر عمل دارد. منظور از عمل، عمل آزادسازی طبقات استعمارشده است. از دیدگاه این الاهیات، الاهیات دارای دو قطب است: عمل و نظریه. این دو، در عین وابستگی به هم، در حال نوسان هستند که از دیدگاه آنان، اولویت و تقدم بر عمل است. الاهیات کلاسیک، عمل را نتیجه تأملات می‌داند؛ در حالی که، الاهیات آزادی‌بخش، ترتیب را به عکس می‌کند؛ یعنی نخست عمل آغاز می‌شود و در پی آن، تأملات انتقادی می‌آید.<sup>۲۱</sup>

#### ۷. فقر؛ نتیجه ساختارهای گناه‌آلود جامعه

الاهی‌دانان آزادی‌بخش، مهم‌ترین ویژگی جامعه کنونی آمریکای لاتین را فقر می‌دانند. فقر آنها را هم از نوع و سنخ فقر موجود در اروپا و آمریکای شمالی نمی‌دانند. از نظر آنها، فقری که اکثر انسان‌های این منطقه را به خود مبتلا کرده است، نتیجه ساختارهای گناه‌آلود

جامعه است. آنها وضعیت اجتماعی، فقر و محرومیت مردم منطقه امریکای لاتین را کفری گروهی به درگاه الاهی قلمداد می‌کنند. در نزد آنان، سکوت و عدم واکنش پذیرندگان این فقر و ستم، چیزی جز نفی وجود الاهی نیست.<sup>۲۲</sup>

#### ۸. تعهد؛ غیر ممکن بودن بی‌طرفی برای کلیسا

آنان معتقدند بی‌طرفی سیاسی برای کلیسا ممکن نیست؛ چراکه از نظر سیاسی، بی‌طرف بودن به معنای حمایت از شرایط ستمگرانه موجود است. از نظر این الاهیات، در طی قرون، کلیسای کاتولیک در امریکای لاتین، حامی و متحد حکومت‌ها بوده است. اکنون باید به این رویه خاتمه داده شود و کلیسا باید خود را وقف محرومان و فقرا سازد.<sup>۲۳</sup>

#### ۹. مارکسیسم؛ ابزاری برای تحلیل‌های اجتماعی

غالب متألهان آن، برای درک شرایط ویژه امریکای لاتین و فقر حاکم بر آن و نیز برای یافتن راه‌حلی برای مشکلات آن، از تحلیل‌های اجتماعی مارکسیستی استفاده می‌کنند، از تفکر مارکس هم به منزله «ابزاری برای تحلیل اجتماعی» و هم به منزله «برنامه‌ای برای تغییر اجتماع» سود می‌برند. برخی متألهان این الاهیات مدعی هستند که تحلیل مارکس، علل بی‌عدالتی و فقر شدید امریکای لاتین را روشن می‌سازد.<sup>۲۴</sup>

### ریشه‌ها و عوامل شکل‌گیری الاهیات آزادی‌بخش

#### ۱. فعالیت‌های بارتولومه دل‌اس کاساس

بارتولومه دل‌اس کاساس، کشیش اسپانیایی (۱۵۶۶-۱۴۷۴م)، از مدافعان حقوق مردم بومی امریکای لاتین و اولین چهره بانفوذی است که به دفاع از حقوق سرخ‌پوستان برخاست. کاساس در ۱۴۷۴م. در سویل<sup>۲۵</sup> متولد شد. در رشته حقوق تحصیل کرد. در پی ثروت به هیسپانیولا<sup>۲۶</sup> رفت. در آنجا جامه کشیشی بر تن نمود و فعالیت‌های مذهبی - تبلیغی‌اش را آغاز کرد. احساسات و عواطفش با مشاهده بدرفتاری و بیدادگری اسپانیولی‌ها نسبت به سرخ‌پوستان، برانگیخته شد. از مواهب مادی خودش گذشت و خود را وقف خدمت به سرخ‌پوستان و دفاع از آنان کرد. از آنجایی که مقامات اسپانیایی در منطقه، توجهی به او نکردند، به نزد چارلز پنجم، پادشاه اسپانیا رفت. پادشاه از شنیدن گزارش او درباره بی‌رحمی و خشونت مأموران خود در قاره جدید و سوابق روشن کاساس، وی را به سمت

نمایندگی دولت اسپانیا برای دفاع از حقوق سرخ‌پوستان به منطقه اعزام کرد. کاساس، هنگامی که به منطقه بازگشت، با وجود اختیاراتی که به وی داده شده بود، با مخالفت شدید مقامات و فرماندهان اسپانیایی در منطقه روبه‌رو شد. لذا دوباره به اسپانیا رفت و با اختیارات بیشتری بازگشت و موفقیت‌های بسیاری در گسترش مسیحیت و دفاع از حقوق سرخ‌پوستان به دست آورد. وی در تدوین قانون حمایتی در دفاع از حقوق سرخ‌پوستان و آزادی آنها<sup>۲۷</sup> در مستعمرات اسپانیا در سال ۱۵۴۲م. نقش بسیار مؤثری ایفا کرد و در ترویج این قوانین جدید در منطقه کوشید.

کاساس در نوشته‌های خود، خشونت مهاجران اروپایی سرزمین‌های تازه کشف‌شده را مورد نقد قرار می‌دهد. خشونت سفیدپوستان در قبال سرخ‌پوستان را تحت عنوان «افسانه سیاه»<sup>۲۸</sup> یاد می‌کند.<sup>۲۹</sup> کاساس تأکید می‌کند که رستگاری را هرگز نمی‌توان به افراد تحمیل کرد. هر فرد به شخصه باید به سعادت درک ایمان مسیحی نایل آید. وی رستگاری را از عدالت اجتماعی جدایی‌ناپذیر می‌دانست و خاطر نشان می‌ساخت که رفتار بسیار خشن و ناعادلانه اسپانیایی‌ها با سرخ‌پوستان، آنان را در معرض خطر از دست دادن رستگاری قرار می‌دهد.<sup>۳۰</sup>

کاساس همواره تأکید می‌کرد که تنها در سایه رفتار و کردار برادرانه، می‌توان سرخ‌پوستان را به دین مسیح درآورد. در واقع کاساس، رشته اتصال بین کلیسای دوران استعمار و عصر حاضر بود که قبل از دوران روشنگری و انقلاب فرانسه، حقوق بشر را مطرح کرده بود. وی با فعالیت‌های خود، مبشر رهایی بومیان و سرخ‌پوستان از دست فاتحان شد. به همین دلیل، رهبران الاهیات آزادی‌بخش تا حد زیادی خود را مدیون وی می‌دانند.<sup>۳۱</sup>

## ۲. الاهیات سیاسی در دهه ۱۹۶۰م. اروپا

الاهیات سیاسی، نتیجه تلاش‌های متکلمان کاتولیک و پروتستان است که از سال ۱۹۶۰م. بر اثر رویارویی بنیادهای مسیحیت با بحران‌های فرهنگی و اجتماعی قرن بیستم مانند نیست‌انگاری، الحاد، مارکسیسم و... پدید آمده است. پس از جنگ جهانی اول، پروتستان‌ها تحت تأثیر سه شخصیت برجسته الاهیات مسیحی، یعنی کارل بارت<sup>۳۲</sup> (۱۹۶۸-۱۸۸۶م.)، ردولف بولتمان<sup>۳۳</sup> (۱۹۷۶ - ۱۸۸۴م.) و پل تیلیخ<sup>۳۴</sup> (۱۹۶۵-۱۸۸۶م.) قرار گرفتند.

کاتولیک‌ها برای حل تعارض میان مسیحیت و فرهنگ جدید، برگزاری دومین شورای واتیکان (۱۹۶۵-۱۹۶۲م.) را راه‌حلی برای تطبیق شرایط جهانی با آموزه‌های کاتولیسیسم یافتند؛ زیرا کاملاً احساس می‌شد که نظام‌های الاهیاتی رایج واقعاً نمی‌توانند خود را با شرایط بحرانی فرهنگ جدید به گونه‌ای کاملاً مشخص و کارساز سازگار کنند.

آن زمان این پرسش مطرح بود که آیا الاهیات چیزی بیش از نوعی تاریخ عقلی یا نگرش دانشگاهی جا افتاده و بدون هیچ گونه جهت‌گیری و اهمیت عملی است یا خیر؟ این پرسش در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰م. پرسشی اساسی و اجتناب‌ناپذیر بود. در آن زمان، میان ملت‌های جهان سوم و در حال توسعه، نارضایتی عمیقی در سطح توده‌ها بر علیه وابستگی به جوامع استعمارگر صنعتی در حال گسترش بود. کوتاه سخن آنکه، الاهیات وارد مرحله تغییر جهت و استفاده از روش‌های هرمنوتیکی، برای مرتبط ساختن یا رویارویی مسیحیت با فرهنگ‌های معاصر شده بود که الاهیات سیاسی و سپس الاهیات آزادی‌بخش از جمله رویکردهای شناخته‌شده آن هستند.

هر دو سبک الاهیات مذکور درصدد برقراری ارتباط به شیوه هرمنوتیک بودند و می‌خواستند از توصیه مارکس در مورد تغییر تاریخ، به جای تفسیر آن پیروی کنند؛ از این‌رو، برخی معتقدند الاهیات سیاسی اروپا و سپس الاهیات آزادی‌بخش امریکای لاتین، در مورد غلبه بر تعصبات خاص بورژوازی و مقابله با سرمایه‌داری، سمت‌گیری مارکسیستی دارند.

در این زمینه، نمایندگان برجسته الاهیات سیاسی در اروپا، مانند متکلم پروتستان آلمانی «مولتمان»، «بونهافر» و متأله کاتولیک آلمانی «متز» را جزو الاهی‌دانانی به شمار آورد که بر این اندیشه تأکید می‌ورزند که تفسیر وجود خدا، یک مسئله عملی و سیاسی است، از این‌رو، در اینجا به معرفی کوتاه زندگی، آرا و اندیشه‌های ایشان می‌پردازیم و اشاره‌ای به تأثیرپذیری الاهیات آزادی‌بخش از آنها می‌کنیم:

## ۱-۲ یورگن مولتمان

نخستین و مهم‌ترین اثر مهم مولتمان، کتاب *الهیات امید* است که تحت عنوان فرعی *درباره دلیل و معانی رستاخیزشناسی مسیحی* در سال ۱۹۶۴م. منتشر شد. مولتمان، وظیفه اصلی الاهیات را نخست نه ارائه تفسیری از جهان، بلکه تغییر دادن و دگرگون ساختن آن به



وسیله خدا در پرتو تغییری غایی می‌داند. در میان آثار پرشمار مولتمان، امید به آینده، موضوع محوری است؛ امیدی که بر بنیان صلیب و رستاخیز عیسی مسیح ﷺ و بر بنیان تاریخ و تجربه قرار دارد. به همین دلیل، در بحبوحه آشفتگی‌ها و تلاطمات دهه ۱۹۶۰م. الاهیات وی مخاطبان بسیاری یافت. وی در آثار خود، آموزه‌های اساسی مسیحی را در پرتو وعده‌های خدا برای آینده بازسازی می‌کند.

از نظر مولتمان، هدف مأموریت مسیحی، صرفاً نجات فردی، شخصی، و روحانی نیست؛ بلکه همچنین تحقق امید عدالت، اجتماعی ساختن انسان‌ها و تحقق صلح و آرامش برای همه بشریت است. وی بر این باور است که این جنبه از مصالحه با خدا، در کلیسای مسیحی نادیده گرفته شده است و کلیسا بر اساس امید به آینده، باید برای تغییر شرایط کنونی اجتماع فعالیت کند. به اعتقاد وی، از نظر عهد جدید انتظار نجات الاهی در آینده، نه به عنوان بهانه‌ای برای انفعال در زمان حاضر، بلکه در حکم تشویق و دل‌گرمی برای عمل است. از آنجا که عمل اجتماعی، ریشه در امید مسیحی دارد، الاهیات مولتمان «الاهیات امید» نامیده می‌شود.<sup>۳۵</sup>

کلیسا در قدرت روح‌القدس (۱۹۷۵م.) از دیگر کتاب‌های مهم مولتمان است. از نظر وی، کلیسا باید نسبت به خدا، نسبت به انسان‌ها و نسبت به آینده خدا و انسان گشوده باشد. این گشودگی، به این معناست که کلیسا در برابر جهانی که به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است، تجدید حیات یابد. از دیدگاه وی، تجدید حیات درونی چهار بعد دارد که نمود و ظهور آن، در حرکت‌ها و جهت‌گیری متألّهان و هواداران الاهیات آزادی‌بخش، مشهود است:

۱. کلیسا باید کلیسایی باشد که در حال انجام دادن مأموریت الاهی است. جنبش مسیونری به کم رنگ شدن موانع جغرافیایی، نژادی، ملی و طبقاتی مساعدت کرده است. اما امروزه مأموریت کلیسا شامل همه فعالیت‌هایی است که به رهایی انسان از بردگی می‌انجامد؛ بردگی ناشی از ضرورت‌های اقتصادی و یا بردگی ناشی از فراموش کردن خدا. این رهایی در حضور خدا صورت می‌گیرد.
۲. کلیساها باید در مسیر وحدت جهانی با یکدیگر گام بردارند. جنبش «اتحاد جهانی کلیساها» سبب شکستن موانعی می‌شود که در بین کلیساها وجود دارد.

۳. کلیسا باید کلیسای عیسی مسیح باشد. همان‌گونه که مسیح تنها خداوند کلیساست.  
 ۴. کلیسا باید جهت‌گیری سیاسی داشته باشد. الاهیات آزادی‌بخش متأثر از این اندیشه هم به کلیسا تعلیم می‌دهد که به طرف‌دارای از ستم‌دیدگان و درماندگان برخیزد.<sup>۳۶</sup>  
 مولتمان با این نظرات خود بر متألّهان مسیحی امریکای لاتین تأثیر می‌گذارد و در تشکیل کلیساهای پایه<sup>۳۷</sup> در مناطق گوناگون از جمله مناطق فقیرنشین، روستایی و دورافتاده، نقش‌آفرین می‌شود.<sup>۳۸</sup>

## ۲-۲. دیتریش بونهافر

مشهورترین آثار بونهافر، کتاب‌های بهای شاگردی<sup>۳۹</sup> (۱۹۳۷م.)، مسیح، مرکز و محور، اخلاق و کتاب معروف نامه‌ها و مقالاتی از زندان<sup>۴۰</sup> هستند. موضوع حضور مسیح در جهان عمیقاً فکر بونهافر را به خود مشغول می‌کرد. وی بر این اصل تأکید داشت که زندگی مسیحی، شراکت در رنج‌های مسیحایی است.<sup>۴۱</sup> از نظر وی، تمام همت کلیسا نباید معطوف به علایق مذهبی خود باشد؛ بلکه باید به جهان خدمت کند. کلیسا باید از الگوی عیسی پیروی کند که «انسانی برای دیگران» بود.<sup>۴۲</sup> «مسیحی بودن» به معنای شرکت داشتن در حیات جهان و خدمت کردن به خدا در جهان است. خدمت به خدا در انزوا یا محیط‌های امن، خدمت واقعی نیست و عاری از گناه و ناپاکی نیز به شمار نمی‌رود. زندگی ایده‌آل مسیحی نیز رهبانیت نیست. از نظر وی، زندگی مسیحی به این معنا نیست که از دنیا کناره‌گیری کنیم؛ بلکه باید در آن شرکت فعال داشته باشیم. به نظر بونهافر، «کلیسا باید در مرکز اجتماع قرار گیرد و زندگی مسیحی باید در جهان سپری شود».<sup>۴۳</sup>  
 وی این تعالیم را در زندگی خود به کار برد و وارد فعالیت سیاسی علیه حکومت نازی‌ها شد تا اینکه جان خود را در این فعالیت‌ها از دست داد. کشته شدن وی به دست حکومت دیکتاتوری هیتلر، برای وی و افکارش شهرت آورد؛ از این‌رو، زندگی هیچ متألّهی در قرن بیستم به اندازه زندگی این قربانی جوان حکومت نازی، برای انقلابیون مذهبی مسیحی جذاب نبوده است. هیچ دهه‌ای در قرن بیستم، به اندازه دهه پرآشوب ۱۹۶۰م. زمینه‌ای چنین مناسب برای پذیرش و احیای اندیشه‌های بونهافر را پدید نیاورده است. بونهافر، با اندیشه آن‌جهانی بودن مسیحیت و کلیسا که همواره به شکلی سنتی بر آن تأکید می‌شد، به مخالفت پرداخت. وی ایمان واقعی به مسیح را در عرصه عمل، و نه فقط

اعتقاد دانست و پیروی از مسیح را در زندگی معنا کرد. خود هم در این راه از جاننش گذشت. بدین ترتیب رهبران و طرفداران الاهیات آزادی‌بخش، از اندیشه‌های وی به شدت استقبال کردند.<sup>۴۴</sup>

### ۳-۲. یوهانس باپتیست متز

از دیگر مدافعان اصلی نگرش «الاهیات سیاسی» در دهه ۱۹۶۰م. در اروپا، «یوهانس باپتیست متز» بود که در دانشگاه توینگن، همکار مولتمان بود. متز معتقد بود که ایمان از یک بعد سیاسی برخوردار است. کلیسا هم باید نهادی برای نقد اجتماعی باشد. وی در آثار خود، «پراکسیس»<sup>۴۵</sup> سیاسی یا حضور متعهدانه در امور سیاسی را نقطه شروع اندیشه‌ورزی الاهیاتی دانست. بدین‌سان برخی مبانی اولیه روش متمایز الاهیات آزادی‌بخش را ارائه کرد.<sup>۴۶</sup>

بنابراین برخی ریشه‌های فکری الاهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین را می‌توان به روشنی در نوشته‌های این سه متأله اروپایی یافت. به طور خلاصه، باید گفت که مولتمان پیشنهاد کرد مقامات کلیسا به جای ارائه یک تصویر شخصی از دین مبتنی بر نجات روح، دین را به عنوان منشأ تحولات اجتماعی معرفی کنند. متز بر این نکته تأکید می‌کرد که ایمان از یک بعد سیاسی برخوردار است و کلیسا باید نهادی برای نقد اجتماعی باشد. الاهیات بونهافر هم بر مسئولیت انسان نسبت به دیگران تأکید دارد و به ارزش نگاه کردن به جهان از پایین به بالا اشاره می‌کند. وی بر عنصر این جهانی بودن مسیحیت و کلیسا تأکید کرد و ایمان واقعی به مسیح را در عرصه عمل، و نه فقط اعتقاد دانست.

طرفداران الاهیات آزادی‌بخش از این مکتب‌های خدانشناسی الهام گرفته‌اند؛ اما به هر حال مکاتب اروپایی را به پرداختن به مفاهیم انتزاعی، مطلق‌گرایی و مجردگرایی نظری، بی‌خاصیتی سیاسی و نادیده گرفتن وضعیت غیرعادلانه موجود برای دستیابی به مسیحیت ایده‌آل آینده متهم می‌کنند.<sup>۴۷</sup>

### ۳. شورای دوم واتیکان

شورای واتیکان دوم که در فاصله سال‌های ۱۹۶۲-۶۵م. تشکیل شده است، نقطه عطفی در تحولات نهاد کاتولیسیسم به شمار می‌آید. این شورا مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین رویداد کلیسایی این قرن شمرده می‌شود. تشکیل این شورا باعث انطباق دوباره و اساسی کلیسا با

شرایط تازه جهان شد و چندین برنامه اصلاحی در مورد سازمان روحانیت را به همراه داشت.<sup>۴۸</sup> این شورا برای تجدید حیات کاتولیک‌ها، برای تقویت معنویات، تطبیق دادن مراسم کلیسایی با نیازهای عصر حاضر، ایجاد وحدت در میان مسیحیان دنیا و تحکیم ارکان کلیسا برای انجام رسالت تبشیری را مطرح کرد و خواهان آن شد که شورا، پاسخ‌گوی حضور خداوند در جهان باشد. از جمله در مبارزه مردم و مستعمرات برای تعیین سرنوشت خود، تلاش کارگران برای تأمین حقوق اجتماعی و اقتصادی خود و ضرورت نیل زنان به حقوق حقه خود در حیات خانوادگی و اجتماعی.<sup>۴۹</sup>

برخی از مهم‌ترین تصمیمات «شورای واتیکان دو»، که سبب تأثیرگذاری جدی بر مسیحیان برای فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی شد، عبارتند از:

۱. «امروزی شدن»: <sup>۵۰</sup> کلیسا به جای دشمنی با جهان مدرن و عدم اطمینان به آن، باید خود را مطابق روز سازد. به عبارت دیگر، باید با عصر معاصر خود را هماهنگ سازد.
  ۲. «اصلاح»: <sup>۵۱</sup> کلیسا به جای آنکه خود را بدون نقص و قدسی بداند، باید به اشتباهات خود معترف بوده و به طور دائم در صدد اصلاحات آنها باشد.
  ۳. «کتاب مقدس»: کاتولیک‌ها نباید معنویت خود را صرفاً منحصر به رعایت شعائر دینی و انجام عبادات و مناسک و پیروی از شریعت بدانند؛ بلکه با ایمان باید به کتاب مقدس نزدیک شوند.
  ۴. کلیسا یک جامعه یکپارچه را مخاطب قرار نمی‌دهد؛ بلکه باید تنوع‌های منطقه‌ای و ناحیه‌ای و نقش کلیساهای منطقه‌ای را در نظر گرفته و خواهان وحدت کامل نوع کلیساهای با کلیساهای جهانی باشند.
  ۵. «رسالت اجتماعی»: کلیسا به جای آنکه بیش از حد تأکید کند که رستگاری فردی در جهان دیگر مدنظر است، باید رسالت عیسی را در این دنیا مدنظر قرار دهد. به عبارت دیگر، مسائل خاکی نباید از حیات دینی جدا باشد. «شکاف بین ایمان آدمی و حیات روزمره وی از جمله بزرگ‌ترین خطاهای عصر حاضر ما می‌باشد».<sup>۵۲</sup>
- بدین ترتیب اسقف‌ها در شورای دوم واتیکان اعلام می‌کنند که کلیسا در این جهان دارای رسالت بوده و افراد با ایمان باید خود را نسبت به مسائل اجتماعی متعهد بدانند. سند «شادی و امید»<sup>۵۳</sup> شورای دوم واتیکان اعلام می‌کند که کلیسا در مقابل دنیا و تغییرات

صورت گرفته، نمی‌تواند بی‌طرف باقی بماند، بلکه دارای وظایفی است که می‌تواند ساختار جامعه بشری را بنا بر قانون الاهی تحکیم بخشد.

از نتایج مهم دیگر این شورا، می‌توان تغییر جایگاه غیر روحانیون در کلیسا را نام برد. این شورا برای اولین بار بر نقش عمده خدمت‌گزاران غیر روحانی کلیسا در انجام تعهدات دینی و اجتماعی تأکید ورزید؛ از این‌رو، از زمان تشکیل این شورا، کلیسا خدمت‌گزاران غیر روحانی خویش را عهده‌دار مسئولیت‌های اجتماعی برای برقراری عدالت دانست. در واقع همین امر به شکل‌گیری و رشد کلیساهای پایه در کشورهای آمریکای لاتین انجامید.<sup>۵۴</sup> شورا تأکید کرد که ماهیت کلیسا، جامعه‌ای در حال تغییر، پیشرفت و رشد است به تعبیر آنان، کلیسای «زائر»<sup>۵۵</sup> است نه نهادی بدون تغییر. در این شورا بر روشنی و قابل فهم بودن مراسم نماز و نیایش تأکید شد تا مشارکت عامی‌ترین افراد عادی را امکان‌پذیر سازند. این موضوع نه تنها نیازمند استفاده از زبان‌های بومی، به جای زبان لاتینی بود، بلکه مستلزم پذیرشی نو نسبت به تنوع شکل‌های عبادت و مکان آنها بود. از سوی دیگر، این شورا بر دسترسی آسان به کتاب مقدس اصرار داشت و خواندن کتاب مقدس را به همه سفارش می‌کرد.<sup>۵۶</sup> نتیجه تصمیمات شورا این شد که مراسم‌های جدید عبادت با ویژگی‌های بومی پدید آمدند. خواندن و مطالعه کتاب مقدس به زبان بومی در همه جا متداول شد و آموزش کشیش‌ها، فارغ از شیوه‌های لاتینی و با در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای انجام شد.<sup>۵۷</sup> این شورا روند جدیدی را در کلیسای کاتولیک ایجاد کرد. کنفرانس‌های منطقه‌ای اسقف‌ها، در مناطق مختلف جهان فعال شد و به دنبال آن، شوراهای مختلف منطقه‌ای صورت گرفت. از جمله مهم‌ترین تأثیرات شورای دوم واتیکان در منطقه آمریکای لاتین، تشکیل «شورای اسقفی آمریکای لاتین»<sup>۵۸</sup> بود.<sup>۵۹</sup>

از دیگر دستاوردهای این شورا، مطرح کردن اصطلاح «خلق خدا» برای همه روحانیون و نیز خدمت‌گزاران غیر روحانی کلیسا بود؛ به طوری که روحانیون کلیسا و خدمت‌گزاران غیر روحانی به عنوان خلق خدا برابر اعلام شدند. این برابری سبب نزدیک شدن مقامات عالی‌رتبه کلیسا با مردم کوچک و بازار شد و اهمیت تازه‌ای به افراد عادی بخشید.<sup>۶۰</sup> این رویکرد نوین شورای دوم، سبب شد که کلیساها با شادی، غم و مشکلات مردم هم‌آوا شده، به ویژه برای فقر مردم تلاش کنند و رسالت مسیح را به عنوان نیروی درهم

شکننده قدرت‌های شیطانی به رسمیت بشناسند. چنین توصیه‌هایی نه تنها راه را برای فعالیت‌های الهیات آزادی‌بخش در امریکای لاتین گشود، بلکه بسیاری از روحانیون و غیر روحانیون مسیحی را به سمت فقرا سوق داد و کشیشان را بر آن داشت که در کنار وظایف شبانی، در کنار فقرا زندگی کنند و با مشکلات مردم از نزدیک آشنا شوند.<sup>۶۱</sup>

#### ۴. گردهمایی‌های منطقه‌ای اسقفان و کشیشان امریکای لاتین

نخستین گردهمایی اسقفان امریکای لاتین به سال ۱۸۸۹م. در زمان پاپ «لئو سیزدهم»<sup>۶۲</sup> در شهر رم ایتالیا برمی‌گردد. پیش از آن، چنین جلسه‌ای برگزار نشده و اسقفان منطقه حق نداشتند با هم جلسات مشترک بگیرند؛ همه می‌بایست تحت نظر حکومت فعالیت می‌کردند. بیش از ۶۰ سال پس از این گردهمایی، اسقف‌های امریکای لاتین اجازه یافتند که خود مستقلاً گرد هم آیند. بدین ترتیب، در سال ۱۹۵۵م. اولین گردهمایی واقعی اسقفان امریکای لاتین در ریودوژانیرو برزیل برگزار شد.<sup>۶۳</sup>

شورای دوم واتیکان، آغازگر تحولی در کلیساهای امریکای لاتین شد و اسقفان امریکای لاتین درصدد گردهمایی بودند که تأثیرات شورای دوم واتیکان را در منطقه بررسی و تحلیل کنند؛ اما پاپ «جان بیست و سوم» در بخش‌نامه‌ای تحت عنوان «پیشرفت‌های مردمی»،<sup>۶۴</sup> که در باب مشکلات توسعه و پیشرفت در جهان سوم بود، گردهمایی اسقفان این قاره را در خصوص تأثیرات تصمیمات شورای دوم واتیکان به مصلحت ندانست؛<sup>۶۵</sup> چراکه واتیکان از تبعات گردهمایی و تعاملات کشیشان منطقه نگران بود؛ زیرا کلیساهای منطقه عموماً با رژیم‌های حاکم که عمدتاً دیکتاتوری‌های نظامی وحشتناکی را ایجاد کرده بودند، هماهنگ بودند. گزارشی که به وسیله نشریه سازمان کلیساهای کاتولیک در سال ۱۹۶۲م. منتشر شد، وضع کلیساهای نیکاراگوئه را چنین توصیف می‌کند. این وضعیت، بیانگر وضعیت مشابه کلیساهای دیگر کشورهای منطقه بود: کشیشان در کلیساهای روستایی، تقریباً نفوذی ندارند. نکته اینجاست که نیمی از جمعیت کشور، روستایی هستند. اغلب کشیشان نیز از مردم غافل‌اند و از حکومت جانبداری می‌کنند و از واقعیت اجتماعی به دورند. اینان ضمن انتقاد آشکار از کاستروی انقلابی، هرگز راجع به رژیم منحن سوموزا بانگی بر نمی‌آورند.<sup>۶۶</sup>

بنابراین کشیشان منطقه درصدد تغییر وضعیت کلیساهای و نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی برآمدند. اواخر سال ۱۹۶۷م. کشیش‌های مترقی در آرژانتین جنبشی را پی‌ریزی کردند که

صدها روحانی کاتولیک را به سوی خود جلب کرده و در سراسر این قاره دست به فعالیت زدند. این جنبش به نام «کشیشان جهان سوم» معروف شد. روحانیون وابسته به این جنبش، به قول «هلدر کامارا»<sup>۶۷</sup> (۱۹۹۹-۱۹۰۹م.) اسقف اعظم برزیلی و از حامیان و رهبران معنوی الاهیات آزادی‌بخش، می‌خواهند «صدای کسانی باشند که صدایی ندارند.» آنان نظام سرمایه‌داری حاکم را مردود، و نتایج آن یعنی (امپریالیسم اقتصادی و فرهنگی) را محکوم می‌کنند. حتی کشیش‌ها و راهبه‌های روحانی برزیل در سال ۱۹۶۸م. در تظاهرات عظیمی که بر علیه دیکتاتور نظامی این کشور بر پا شده بود، شرکت کردند. برخی از آنان معتقد بودند که «اگر نظام سیاسی موجود نتواند مسائل ما را حل کند، بایستی رژیم سوسیالیستی بر پا داریم». در کشورهای دیگر منطقه، مانند شیلی، پرو، السالوادور، نیکاراگوئه و ... وضعیت به همین گونه بود. خلاصه اینکه چنین رویکردهایی سبب شد که گردهمایی اسقفان منطقه ضروری احساس شود و کشیشان برای برپایی این گردهمایی منطقه‌ای اقدام کنند.<sup>۶۸</sup>

#### ۴-۱ گردهمایی مدلین

گردهمایی دوم کشیشان آمریکای لاتین در سال ۱۹۶۸م. در مدلین کلمبیا، برگزار می‌شود. بدین ترتیب، مهم‌ترین علایم تغییر در وضع کلیساهای منطقه آمریکای لاتین، پس از همین کنفرانس ظاهر می‌شود. شرکت‌کنندگان در این کنفرانس تصمیم گرفتند که به حمایت از فقرای جامعه بپردازند و کلیسا را به وظایف اجتماعی و سیاسی خود برانگیزانند. کلیسای واتیکان، علاوه بر تعیین ناظر در این کنفرانس، اعلام می‌کند که خود «پاپ پل ششم» نیز حضور می‌یابد. پل ششم، نخستین پاپی بود که قرار بود از این منطقه دیدن کند. هم‌زمان با طرح سفر پاپ به منطقه، برخی کشیشان و رسانه‌های منطقه از این سفر اظهار نارضایتی می‌کنند و سیاست محافظه‌کارانه و حتی همسویی واتیکان با حکومت‌های دیکتاتور و سرکوبگر منطقه مورد انتقاد شدید قرار می‌گیرد.<sup>۶۹</sup>

پاپ پل ششم در سخنرانی مراسم افتتاحیه کنفرانس مدلین گفت: کنفرانس باید مسیحیانی را که حامی فقرا و گرسنگان هستند، به رسمیت بشناسد.<sup>۷۰</sup> از نکات برجسته این کنفرانس، طرح اصول کلیسای متعهد است. اینکه کلیسا باید در حوادث مهم پیش روی جامعه موضع‌گیری کند، آن‌هم به نفع فقرا و محرومان. این رویکرد «ترجیح فقرا از سوی خدا»<sup>۷۱</sup> نامیده شد. در بخش دیگری از این بیانیه، شرایط بسیاری از مناطق آمریکای لاتین،

غیر عادلانه معرفی شد و آن را خشونت نهادینه شده دانستند؛ زیرا به نظر آنان ساختارهای موجود، حقوق اساسی انسان‌ها را در منطقه پایمال می‌کنند و بر تغییراتی گسترده، متهورانه، و عمیقاً مبتکرانه در چنین شرایطی تأکید کردند.<sup>۷۲</sup> در بیانیه اسقفان، همچنین به وسوسه «توسل به خشونت» اشاره و تأکید شد که البته در برخی موارد نادر، چاره‌ای جز توسل به خشونت باقی نمانده است.<sup>۷۳</sup>

گردهمایی مدلین، بر تحلیلی که شرایط امریکای جنوبی را ناشی از ستم و استبداد می‌دانست و نیز بر نیاز به رهایی از این شرایط، صحنه گذاشت. اسقفان با الهام از شورای دوم واتیکان اعلام کردند که کلیسا از تمام محرومان از هر طبقه و قشری به نام خلق خدا حمایت کرده و تلاش می‌کند تا آنان را با حقوق خویش آشنا کند.<sup>۷۴</sup>

از نتایج مهم گردهمایی مدلین، شکل‌گیری «جوامع مسیحی پایه» (کلیساهای پایه) و «کمیته مبلغین کلام خدا» است. در این کنفرانس، به تشویق مردم در عضویت در کلیساهای پایه بسیار تأکید شد. جوامع مسیحی پایه هم با تعداد اعضای بین ۱۰ الی ۲۰ نفر در محله‌های فقیرنشین شهرها و در روستاها با شرکت دهقانان محروم شکل گرفت که سرپرستی هر کانون بر عهده کلیسای محل بوده است. از آنجا که در امریکای لاتین، مسئله کمبود کشیش مطرح است، چنین کانون‌هایی - به ویژه در برزیل - برای اکثریت فقیرنشین، پاسخ‌گویی نیازهای معنوی آنها شد و از درون این کانون‌ها «الاهیات آزادی‌بخش» گسترش پیدا کرد. مبلغان با الهام از این کنفرانس، بدون اجازه کشیش‌ها، به آموزش‌های سیاسی پرداختند و بدون اعتنا به تلقینات رژیم‌های حاکم مبنی بر مارکسیست بودن برخی نهضت‌های انقلابی منطقه، مانند ساندنیست‌های نیکاراگوئه و الحاد آنان، به آنها نزدیک شدند و در مخالفت با نظام‌های دیکتاتوری با آن گروه‌ها همکاری می‌کردند.<sup>۷۵</sup>

غالب محققان، این گردهمایی را نقطه شروع حقیقی «الاهیات آزادی‌بخش» می‌دانند. الاهیاتی که رهایی اجتماعی - سیاسی را هدف اصلی خود می‌دانست. آنها این گردهمایی را سبب ایجاد انقلابی در حیات کلیسای امریکای لاتین ارزیابی می‌کنند که در نهایت، به معنای انقلاب در تاریخ امریکای لاتین خواهد بود.<sup>۷۶</sup>

#### ۲-۴. گردهمایی پوئبلا

با درهم آمیختن فعالیت‌های اجتماعی - مذهبی روحانیت و درگیری آنان با حکومت‌های استبدادی و پرداختن به مشکلات اجتماعی، فقر و محرومیت مردم، نظام سنتی کلیسای



منطقه نگران وضع موجود و آشفتگی‌های بی‌سابقه در کلیسا شد. علاوه بر کنفرانس مدلین، کنفرانس‌های دیگری مانند کنگره اول متألهان و اسقفان منطقه<sup>۷۷</sup> در مکزیکوستانی مکزیک در آگوست سال ۱۹۷۵م. کنگره «ایمان مسیحی و دگرگونی اجتماعی در امریکای لاتین»<sup>۷۸</sup> در ژوئیه سال ۱۹۷۲م. اسپانیا، گفت‌وگوهای رسمی بین متألهان آزادی‌بخش و طرفداران آزادسازی سیاهان امریکا و حرکت‌های آزادسازی زنان و مانند آن<sup>۷۹</sup> در سال ۱۹۷۵م. و آغاز وحدت کلیساهای جهان سوم<sup>۸۰</sup> در سال ۱۹۷۶م. و... هم برگزار شد که در شکل‌گیری تعاملات و وحدت رویه کشیشان انقلابی این منطقه در مبارزه با سرمایه‌داری و تلاش برای رهایی فقرا مؤثر بودند.<sup>۸۱</sup> روحانیون محافظه‌کار هر گونه گرایش به بینش جدید - ترجیح فقرا و الاهیات آزادی‌بخش - را محکوم می‌کردند. مردم را به روی‌گرداندن از انقلابیون فرامی‌خواندند. در نتیجه، طی دهه ۱۹۷۰م. اختلاف بین روحانیت محافظه‌کار و انقلابی بالا گرفت؛ به طوری که در سال ۱۹۷۷م. روحانیت مسیحی آماده تشکیل کنفرانس دیگری شد. اسقف‌های محافظه‌کار بسیار کوشیدند تا در این کنفرانس، که در شهر «پوئبلا» مکزیک برگزار شد، با حذف روحانیت انقلابی، آثار و نتایج کنفرانس مدلین را خنثا کنند. پاپ ژان پل دوم، برای افتتاح کنفرانس، به مکزیک سفر کرد و در سخنرانی‌های خود خط مشی کنفرانس را به صورت‌های مختلف تفسیر کرد. در یک خطبه از حقوق فقرا و هم‌دردی کلیسا با محرومان صحبت می‌کرد و در جایی دیگر، کلیسا را از درگیری در امور سیاسی برحذر می‌داشت. در بعضی دیگر از خطبه‌ها، تعهدات کلیسا را به انجام مطلق امور عبادی خلاصه می‌کرد و از خشونت بر حذر داشته و به صلح دعوت می‌کرد.<sup>۸۲</sup>

نتایج این کنفرانس در مقایسه با کنفرانس مدلین، بیشتر براساس مصالح کلیسا بود؛ اما پاپ و روحانیان آمریکای لاتین، در فضایی که توسط روحانیون انقلابی و مترقی و هوادار الاهیات آزادی‌بخش ایجاد کرده بودند، تعهدات اجتماعی کلیسا به فقرا و عدالت اجتماعی را مطرح کردند. به رغم خواست محافظه‌کاران، کشیشان انقلابی به بررسی شرایط اجتماعی و اقتصادی آمریکای لاتین و ابعاد تجدید نظر در نظرات و تعاملات گذشته با مردم و حاکمان منطقه پرداختند و این امر سبب تقویت مبانی نظری الاهیات آزادی‌بخش و هم‌گرایی اسقفان و کشیشان منطقه شد.

پس از تشکیل شورای واتیکان دوم و کنفرانس اسقفان در مدلین و پوئبلا، مطالعات دینی در امریکای لاتین به تدریج متحول شد. حتی در زمینه بازدیدهای کشیشان از

روستاها و تعامل با مردم و حاکمان منطقه تغییراتی پدید آمد. اسقفان منطقه امریکای لاتین، ضمن شهامت یافتن حضور و نظریه‌پردازی در عرصه‌های جدید و پرداختن به معضلات و مسائل روز، برای بومی کردن مباحث این شوراها اقدام کردند. که شکل‌گیری «جوامع پایه» (کلیساهای پایه)، تحقق اصطلاح «خلق خدا» و طرح نظریه «ترجیح فقرا از سوی خدا» مهم‌ترین نتایج آنهاست.<sup>۸۳</sup>

##### ۵. شرایط خاص سیاسی اجتماعی امریکای لاتین دهه‌های ۵۰ تا ۷۰ قرن بیستم

آمریکای جنوبی قاره‌ای است که از جهت منابع طبیعی غنی قلمداد می‌شود؛ اما اکثریت ساکنان آن در فقر و فلاکت زندگی می‌کنند. بسیاری از کشورهای این قاره، توسط گروهی از نخبگان ثروتمند اداره می‌شوند که به قیمت محرومیت اکثریت اعضای جامعه خود در صدر حکومت باقی مانده‌اند. در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ قرن بیستم، این تحلیل در مورد کشورهای امریکای جنوبی مطرح شد که چون این کشورها توسعه‌نیافته هستند، پس باید اقدام‌هایی در جهت توسعه و پیشرفت این کشورها انجام گیرد. اما اقدام‌های انجام‌شده در این مورد، بر وضعیت اکثریت توده‌های محروم این کشورها تأثیری بر جای نگذاشت. براساس این تحلیل، مسئله اصلی در ساختار ناعادلانه روابط بود؛ یعنی از یک سو، حکومت‌های استبدادی در هریک از کشورها حاکم بود و از سوی دیگر نیز، روابطی ناعادلانه بین کل این قاره و کشورهای توسعه‌یافته یا سرمایه‌داری سلطه‌گر وجود داشت.<sup>۸۴</sup> مجله اشپیگل آلمان در سال ۱۹۷۰م. اوضاع امریکای لاتین را این‌گونه توصیف می‌کند:

این قاره بالقوه بزرگ‌ترین قدرت انقلابی جهان است. متوسط عمر در امریکای لاتین برای مردان حدود ۴۳ سال و برای زنان حدود ۴۹ سال می‌باشد. از هر ده کلبه در هندوراس، نه کلبه بدون کوچک‌ترین کف‌پوش می‌باشد. از هر ده خانه در پاراگوئه، هشت خانه فاقد سقف محکم و قابل اطمینان است. تنها ۴/۵ درصد کلبه منازل شیلی دارای آب لوله‌کشی بوده، فقط ۴/۲ درصد کلبه خانه‌های مردم دارای برق است. ۴۰ میلیون از ۱۴۰ میلیون مردم امریکای لاتین، که در سنین قادر به کار قرار دارند، فاقد شغل دائمی هستند. فقط ۱۶ درصد جمعیت امریکای لاتین تحصیلات مدرسه دارند... کسی که کاری دارد، اغلب نیز در اثر آن به برده مبدل می‌شود. برده‌فروشی هنوز رواج دارد... در سراسر این شبه‌قاره، به هر گونه کوششی در زمینه پیشرفت اجتماعی، دستمزد بیشتر یا شرایط کار انسانی، مارک کمونیستی یا اقدام علیه امنیت کشور می‌چسبانند... در هشت جمهوری از ۲۴ جمهوری

امریکای لاتین، دیکتاتورهای نظامی حکومت می‌کنند. در پنج جمهوری، دیکتاتورهای غیر نظامی. مردم باید بار خرج ارتش‌ها را به دوش بکشند ...<sup>۸۵</sup>

در زمینه تعلیم و تربیت، مهم‌ترین مشکل بسیاری از کشورهای منطقه، بی‌سوادی گسترده توده مردم است. در حکومت‌های غیر انقلابی و دیکتاتوری آمریکای لاتین، برنامه مبارزه با بی‌سوادی هرگز اهمیتی درخور نداشته است. از سوی دیگر، ایالات متحده آمریکا، با اعلام دکترین مونروئه، بارها اعلام کرده است امریکای مرکزی و جنوبی را مناطق استراتژیکی برای امنیت ملی خود تلقی می‌کند. بدین ترتیب هرگونه تغییری که در نحوه اداره کشورهای این منطقه صورت می‌گیرد، باید به گونه‌ای باشد که منافع سرمایه‌داری ایالات متحد را حفظ کند.<sup>۸۶</sup> نفوذ باند مافیایی مواد مخدر، از جمله مسائل و مشکلاتی است که در سراسر قاره وجود دارد. باندهای مافیایی، که همواره از سوی آمریکا و اروپای غربی حمایت می‌شوند.<sup>۸۷</sup>

از این رو سیمای غالب در کشورهای آمریکای لاتین را می‌توان به این‌گونه توصیف کرد: توزیع ناعادلانه درآمد، کمبود مواد غذایی، نبود تسهیلات اجتماعی، فقدان امکانات آموزشی برای نوجوانان، طبقات تنگ‌دست و سطح زندگی پایین اکثریت مردم.<sup>۸۸</sup> یکی از سخنان معروف هلدر کامارا، اسقف اعظم برزیلی، این است که استثمار نه تنها از داخل کشور سرچشمه می‌گیرد، بلکه از خارج نیز اعمال می‌شود. اینکه کشورهای در حال توسعه، به وسیله سیاست تجاری کشورهای صنعتی استثمار می‌شوند. متعهد شدن کلیسا، ثمرات زیادی در جهان سوم به بار آورد. البته کشیشان خود به خوبی آگاه‌اند که تلاش‌های آنان به هیچ صورت نمی‌تواند جای خالی کارهای انجام‌نداده، دولت‌ها را به کلی پر کند؛ زیرا هیچ نوع تعهد و قبول مسئولیتی از جانب کلیسا نمی‌تواند پاسخ‌گوی بهره‌های گزاف، ارزانی بهای مواد اولیه و محدودیت‌های وارداتی سختی باشد که دولت‌های صنعتی بر جهان سوم تحمیل کرده‌اند.<sup>۸۹</sup>

الاهیات آزادی‌بخش، از شورای دوم واتیکان تأثیرهایی گرفته و برخی از اندیشه‌های متکلمان مسیحی غرب چون مولتمان، متز و بونهوفر را نیز به عاریت گرفته است؛ اما اساساً الاهیاتی است که از شرایط آمریکای لاتین نشأت گرفته؛ امری که رهبران آن را بیان می‌کنند.

## ۶. مارکسیسم

مارکسیسم شاید یکی از مهم‌ترین جهان‌بینی‌هایی است که در دوره مدرن در اروپا سر برآورده و تأثیر بسیاری بر الاهیات مسیحی گذاشت. مارکسیسم به عنوان یک ایدئولوژی، در بحث‌های الاهیاتی نیمه دوم قرن بیستم به ویژه بر الاهیات آزادی‌بخش در امریکای لاتین و بعضی از «الاهیات‌های امید» - مانند آنچه که «یورگن مولتمان» در دهه ۱۹۶۰م. مطرح کرد - تأثیر فراوانی بر جای گذاشت. الاهیات آزادی‌بخش امریکای لاتین، به بینش‌های مارکسیستی تحسین‌آمیز نگرست و بدان توجه جدی نمود. گرچه این الاهیات را نمی‌توان به معنای واقعی کلمه، جنبشی «مارکسیستی» دانست.<sup>۹۰</sup>

الاهیات آزادی‌بخش، مارکسیسم را به منزله کمکی برای «پراکسیس مسیحی» معرفی می‌کند؛ از این رو غالب متألهان آن، از تحلیل‌های اجتماعی مارکسیستی استفاده کرده‌اند. از تفکر مارکس، هم به منزله «ابرازی برای تحلیل اجتماعی»<sup>۹۱</sup> و هم به منزله برنامه‌ای برای تغییر اجتماع سود جستند؛ زیرا به نظر آنان، کسب بینش‌هایی در باب ماهیت کنونی جامعه امریکای لاتین و نیز شیوه‌های اصلاح اوضاع اسف‌بار فقرا را میسر می‌سازد. از سویی، برنامه‌ای ارائه می‌دهد که به واسطه آن نظام اجتماعی ناعادلانه موجود را می‌توان برچید و جامعه‌ای عادلانه پدید آورد.<sup>۹۲</sup>

لئوناردو بوف،<sup>۹۳</sup> از رهبران برجسته این الاهیات، درباره شائبه تأثیرپذیری الاهیات آزادی‌بخش از مارکسیسم می‌گوید:

همواره این مدعا وجود داشته است که الاهیات آزادی‌بخش را نوعی مارکسیسم بنامند. البته در بخش‌هایی از تفکرات الاهیات آزادی‌بخش، نوعی پس‌زمینه‌های حقایق مارکسیستی وجود دارد؛ مانند ضد خودکامگی و ضد استعماری بودن این الاهیات، اولویت حق انتخاب و ترجیح فقرا، ایستادگی در برابر اقتصاد آزاد جوامع سرمایه‌داری و مخالفت با ظلم و تعدی آنها. با همه این اوصاف، مارکسیسم یک ایدئولوژی الحادی ضد مسیحی است که خواهان شدت عمل برای کسب اهدافش است... به طور کلی این امکان وجود دارد که بین مارکسیسم و الاهیات آزادی‌بخش شباهت‌هایی در موضوعات باشد. اما از نظر هستی‌شناسی با هم فرق‌های اساسی دارند که نمی‌شود این دو را به هم تقلیل داد.<sup>۹۴</sup>

«سگوندو گاليله»،<sup>۹۵</sup> از دیگر رهبران این الاهیات، مرحله اول از مراحل شکل‌گیری الاهیات آزادی‌بخش (آغاز دهه ۱۹۶۰ تا اوایل ۱۹۷۰م.) را متأثر از مارکسیسم بیان می‌کند؛ چرا که در نزد رهبران این الاهیات، عناصر مارکسیستی می‌توانست تغییرات اقتصادی، اجتماعی و

سیاسی به وجود آورد؛ اما در مرحله دوم در سال‌های ۱۹۷۰ تا اواسط دهه ۱۹۸۰م. مسئله حقوق بشر از جمله مهم‌ترین محور مبارزات الاهیون آزادی‌بخش را تشکیل داد و نگرش اقتصادی - سیاسی توجه خود را به حقوق بشر معطوف کرد؛ چراکه در این دوران، مارکسیسم در حال سقوط بود و در مرحله در اواسط سال ۱۹۸۰م. مرحله جدیدی برای این الاهیات آغاز شد؛ به طوری که رژیم‌های نظامی و دیکتاتور کشورهای مختلف منطقه تضعیف شدند و دموکراسی نسبی در منطقه حاکم شد و رهبران این الاهیات وارد مرحله همکاری بیشتر با سیاست‌مداران برای تحقق عدالت شدند؛ عدالتی که حقوق بشر را هم دربرداشته باشد.<sup>۹۶</sup>

بدین ترتیب، متألهان و کشیشان انقلابی آمریکای لاتین، با اقتباس از مکاتب الاهیات سیاسی اروپا و مارکسیسم، مکتب خاص خود را متأثر از شرایط منطقه به وجود آوردند که با تغییری بنیادی نسبت به الاهیات سنتی و کلاسیک اروپایی، کتاب مقدس را «به نفع فقرا» تفسیر می‌کنند.<sup>۹۷</sup>

#### ۷. آثار و اندیشه‌های تربیتی و اجتماعی پائولو فریره

پائولو فریره (۱۹۹۷-۱۹۲۱م.) در سیف - در شمال شرقی برزیل - در خانواده‌ای فقیر به دنیا آمد. دکترای خود را با نگارش رساله‌ای در زمینه فلسفه تعلیم و تربیت در سال ۱۹۵۹م. اخذ کرد. در سال ۱۹۶۴م. توسط دیکتاتوری نظامی دستگیر و به شیلی تبعید شد. در دوران تبعید، وی کار را در محدوده‌های جغرافیایی قابل توجهی آغاز کرد و در برنامه‌های آموزشی و سوادآموزی در «شیلی»، «آنگولا»، «موزامبیک»، «کیپ ورد»، «گینه بیسائو»، «نیکاراگوئه» و ... وارد شد. در سال ۱۹۶۸م. کتاب تعلیم و تربیت ستم‌دیدگان را در اسپانیا و انگلیس چاپ کرد. ولی نتوانست آن را در کشورش - برزیل - منتشر کند. این کتاب، حاوی نظریات او درباره سوادآموزی و آموزش توده‌های فقیر در کشورهای استعمارشده است. از دیگر آثار مهم وی، آموزش شناخت انتقادی، هوشیارسازی فرهنگی، آموزش در جریان پیشرفت و آموزش در عمل، نامه‌هایی به گینه بیسائو است.<sup>۹۸</sup>

فریره برای گسترش سوادآموزی، تلاش‌های فراوانی در کشورهای آمریکای لاتین و دیگر کشورهای جهان کرد. وی با جنبش‌های اجتماعی برای آموزش بزرگسالان و توده‌های فقیر - به ویژه جنبش‌هایی که برای ارتقای فرهنگ توده مردم و فقرا در درون

کلیساهای کاتولیک منطقه فعالیت کردند - همراه شد. حرکت‌هایی که بعدها به جنبش الاهیات آزادی‌بخش معروف شد.

در نظر فریره، نه تنها بی‌طرف بودن در امر آموزش کاری است غیر ممکن، بلکه هر شخص مجبور است بر این نکته تأکید کند که تمام خط‌مشی‌ها و ممارست‌های آموزشی، دارای دلالات و مفاهیم اجتماعی‌اند. این سیاست‌ها و ممارسات هم قادرند محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌ها را جاودانه سازند و هم برعکس، قادرند به ما در بنای شرایطی در جهت دگرسازی و تحول اجتماعی یاری رسانند.

فریره معتقد بود که مردم تحت سلطه و ستم‌دیده کنونی باید درباره انواع سلطه‌ها و ترفندهایی که گروه مسلط ممکن است به وسیله آن از سواد ایشان سوءاستفاده کند، آگاه شوند؛ از این‌رو عقیده داشت که آموزش همواره یک عملکرد سیاسی است. این باور برای او، تنها یک شعار نبود و این نظریه مورد استفاده کشتیشان انقلابی امریکای لاتین قرار گرفت. نظرات فریره در زمانی مطرح شد که کشتیشان منطقه، بنا به شورای دوم واتیکان، اقداماتی را برای تقویت جایگاه کلیسا و مذهب و پویایی آنها و تغییر وضعیت موجود آغاز کرده بود. آنان به الگوبرداری از اروپای آن زمان، دوره برنامه‌های آموزشی را برای راهنمایی و آموزش افراد غیر روحانی برای پیاده کردن اهداف به کار گرفتند و تلاش زیادی برای درهم شکستن سلسله مراتب کلیسایی و ایجاد ارتباط با قشرهای مختلف جامعه - به ویژه جوانان و محرومان - را آغاز کردند. در این میان، آثار و نوشته‌های فریره، نقش عمده‌ای یافت. رهبران الاهیات آزادی‌بخش از نظرات و بحث‌های جامعه‌شناسی تربیتی او و همچنین ایوان ایلپیچ (۲۰۰۲-۱۹۲۶م.)<sup>۹۹</sup> متفکر برجسته و عضو مرکز بین فرهنگی اسناد در کورناواکای مکزیک، بسیار استقبال کردند<sup>۱۰۰</sup> تا جایی که در اسناد و مدارک کنفرانس مدلین، آموزش‌رهایی به مردم براساس تکنیک‌های آموزشی پائولو فریره، که روش هوشیارسازی را برخلاف روش‌های تقلیدی امریکای لاتین مبنای کار قرار می‌دهد، مورد تأکید قرار گرفت. بنابراین می‌توان گفت که اندیشه‌های فریره در شکل‌گیری و گسترش الاهیات آزادی‌بخش موثر واقع شد.

### وضعیت فعلی الاهیات آزادی‌بخش

این الاهیات در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰م. نقش برجسته‌ای در انقلاب‌های منطقه و حمایت از انقلابیون امریکای لاتین داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هم سبب توجه

دوباره مردم منطقه به دین و آموزه‌های عدالت‌خواهی ادیان شد. این نهضت، پس از طی دوران فترت یک دهه‌ای - دهه ۱۹۹۰م. - به علت سقوط نظام کمونیستی شوروی و شکست انقلابیون در منطقه و گرایش شدید دولت‌های برخاسته از مردم به لیبرالیسم آمریکایی و نظام سرمایه‌داری، با رویش موج جدید بیداری سیاسی و انتقادی و ضد آمریکایی در کشورهای منطقه، از جمله روی کار آمدن رؤسای جمهوری چون هوگو چاوز، دانیل اورتگا، ایوه مورالس، رافائل کوره‌آ و اخیراً فرناندو لوگو (کشیش این الاهیات) در کشورهای ونزوئلا، نیکاراگوئه، بولیوی، اکوادور و پاراگوئه دوباره فعال و احیا شده است. برخی رهبران این الاهیات، مانند لئوناردو بوف از لوئیز ایناسیو لولا داسیلوا، رئیس‌جمهور مردمی و محبوب (سابق) برزیل، در طی سال‌های اخیر حمایت می‌کردند. میگوئل دسکوتو، از رهبران برجسته و مشهور این الاهیات در نیکاراگوئه و وزیر اسبق امور خارجه این کشور، در دو سال گذشته، دبیری مجمع عمومی سازمان ملل را بر عهده داشت و در این جایگاه، انتقادات فراوانی به نظام سرمایه‌داری، سیاست‌های استعماری آمریکا، مظلومیت فلسطینی‌ها و محکومیت اقدامات خشونت‌آمیز و تجاوزگرانه رژیم صهیونیستی و حمایت از حق دستیابی به انرژی هسته‌ای ایران اتخاذ کرد.

به نظر نگارنده، راه‌های همکاری و گفت‌وگوی میان اندیشمندان و متکلمان مسلمان و متألهان این نهضت بسیار است. نزدیکی سیمای مسیح ﷺ در نزد این الاهیات با اسلام، عدالت اجتماعی، رابطه دین و سیاست در نظر این الاهیات، با نظریات رایج کلیسای مسیحی و نزدیکی دیدگاه این الاهیات به دیدگاه اسلام، مقایسه ریشه‌های فقر و عدالت اجتماعی، ریشه‌کنی استبداد و استکبار و رفع وابستگی ملل در نظر این الاهیات و اسلام، نقش دین در انقلاب ایران و انقلاب‌های آمریکای لاتین، مقایسه سیاست ایالات متحده آمریکا در خصوص این الاهیات و اسلام سیاسی معاصر و... از جمله موضوعات مهمی هستند که می‌توان در تعامل با متفکران آنها مطرح کرد.

لئوناردو بوف، شخصیت برجسته این الاهیات در مورد آینده مذاهب در آمریکای لاتین می‌گوید: مهم‌ترین امر در حال حاضر، برقراری ارتباط با اسلام و یافتن مفاهیم مشترک در اسلام و مسیحیت است. میگوئل دسکوتو، از رهبران برجسته و مشهور این الاهیات در نیکاراگوئه نیز، خواستار تعامل با اندیشمندان مسلمان و حضور در ایران شده است.

با وجود علاقه‌مندی رهبران این نهضت الاهیاتی برای ارتباط و تعامل، تاکنون تلاشی برای برقراری ارتباط و تعامل با این نهضت صورت نگرفته است؛ ولی به نظر نگارنده، آینده این نهضت الاهیاتی تا حد زیادی به ارتباط این الاهیات با اندیشمندان مسلمان همبستگی دارد.

### نتیجه‌گیری

رویکرد الاهیات آزادی‌بخش این است که کلیسا باید مشروعیت خود را با رهایی دادن فقرا از فقر بگیرد. کتاب مقدس باید از منظر فقرا خوانده شود و تجربه گردد. انتقاد از عملکرد استثمار و محافظه‌کاری کلیساها و واتیکان، وابستگی، استعمار جدید، توجیه مبارزه و حمایت از طبقات کارگر در مقابل سرمایه‌داری و... در رویکردهای این الاهیات و نوشته‌های رهبران آن، متأسفانه باعث به وجود آمدن این تصور شده که این الاهیات به طور کلی تحت تأثیر مارکسیسم و دنباله‌روی آنهاست. اما با بیان ریشه‌های شکل‌گیری این الاهیات، همچنین موضع‌گیری برخی رهبران برجسته آن درباره خاستگاه ضد دینی مارکسیسم نشان می‌دهد که این الاهیات، جنبشی صرفاً «مارکسیستی» نیست. از سوی دیگر، نگاه تحسین‌آمیز و استفاده برخی از رهبران آنها از برخی تحلیل‌های مارکسیستی، بدان معنا نیست که بگوییم آنها مارکسیسم را به عنوان یک برنامه جامع برای فعالیت سیاسی پذیرفته‌اند؛ بلکه باید از این منظر نگریست که اگر ایدئولوژی بدیل و جایگزینی - مانند اسلام - برای آنها در منطقه وجود داشت، قطعاً بدان گرایش و تمایل می‌یافتند.



پی‌نوشت‌ها

۱. ر.ک: فری بتو، *فیدل و مذهب: گفت‌وگوهای فیدل کاسترو با کشیش فری بتو*، ترجمه حسن پستا و سیروس طاهباز.
2. Bertolome de Lass Casas
3. Jurgen Moltmann
4. Dietrich Bonhoffer
5. Johannes Baptist Metz
6. Second Vatican Council
7. Medellin
8. Pvybla
۹. لئوناردو بوف، «الهیات آزادی بخش، نگاهی گذرا به پیشینه اندیشگی»، *ماهنامه نامه*، ش ۲۹، ص ۲۳ - ۲۰.
10. Paolo Ferira
۱۱. ر.ک: یاسر عسگری، «الاهیات آزادی بخش آمریکای لاتین و وجوه تمایز آن با الاهیات مسیحی معاصر»، *نقد و نظر*، ش ۵۶، ص ۱۸۲ - ۱۵۶.
12. Contextual Theology
۱۳. ر.ک: گرنز و السون، *الاهیات مسیحی در قرن بیستم*، ص ۳۲۳ - ۳۲۰.
۱۴. همان، ص ۳۳۲؛ لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی؛ سیری در اعتقادات مذهبی مردم آمریکای لاتین*، ص ۷۲.
۱۵. ران رادز، *آمریکای لاتین و مسیحیت انقلابی؛ چهره در حال تحول الهیات رهایی بخش*، ص ۲۴.
۱۶. مک للان، *مسیحیت و سیاست*، ص ۷۳.
17. Preferential Option for the Poor
۱۸. ر.ک: لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۱۵۰ - ۱۴۹؛ گرنز و السون، همان، ص ۳۲۶ - ۳۲۵.
۱۹. Comunidades Eclesiales و به تعبیر اسپانیولی (CEBs) Eclesiais de Base
۲۰. ر.ک: لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۱۶۸ - ۱۶۷.
۲۱. گرنز و السون، همان، ص ۳۳۰ - ۳۲۷.
۲۲. همان، ص ۳۲۶ - ۳۲۳.
۲۳. همان، ص ۳۱۶ و ص ۳۲۴.
۲۴. ر.ک: مک گراث، *در سنامه الهیات مسیحی (شاخصه‌ها، منابع و روش‌ها)*، ص ۲۳۳؛ گرنز و السون، همان، ص ۳۳۰.
25. Seville
۲۶. Hispaniola منطقه‌ای که هم اکنون شامل هائیتی و جمهوری دومینیکن امروز است.
27. Law of Indies
28. the Black Legend
۲۹. لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، پاورقی ص ۴۱.
۳۰. گرنز و السون، همان، ص ۳۱۵.
۳۱. لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۳۳؛ ر.ک: ویلکمب واشبرن، *سرزمین مرد سرخ پوست، قانون مرد سفید پوست*، ص ۲۶ - ۲۵.
۳۲. Carl Barth الهیدان و متکلم برجسته سوئسی.

۳۳. Rudolf Bultmann الهیدان و متکلم برجسته آلمانی.
۳۴. Paul Tilich متفکر و الهی‌دان برجسته آلمانی. وی از کسانی است که متهم به بسط و گسترش سوسیالیسم است.
۳۵. تونی لین، تاریخ تفکر مسیحی، ص ۴۶۲ - ۴۶۱
۳۶. همان، ص ۴۶۴ - ۴۶۳
۳۷. Comunidades Eclesiales و به تعبیر اسپانیولی (CEBs) Eclesiais de Base
۳۸. رک: مک کواری، «چهره عیسی مسیح در مسیحیت معاصر»، هفت آسمان، ش ۱۷، ص ۲۱۷ - ۲۱۶
39. The Cost of Discipleship
40. Letters and Papers from Prisons
۴۱. تونی لین، همان، ص ۴۳۳
۴۲. رک: همان، ص ۴۳۶ - ۴۳۵
۴۳. رک: همان، ص ۴۳۳ و نیز: گرنز و السون، همان، ص ۳۲۴ - ۳۲۳
۴۴. تونی لین، همان، ص ۴۳۶ - ۴۲۸ و گرنز و السون، همان، ص ۲۳۰ - ۲۱۲؛ کالین براون، فلسفه و ایمان مسیحی، ص ۲۰۹
۴۵. Praxis اصطلاحی یونانی که در لغت به معنای عمل و رفتار است و کارل مارکس از آن برای تأکید بر اهمیت عمل در پیوند با تفکر استفاده می‌کرد. چنین تأکیدی بر عمل، تأثیر چشمگیری در الهیات آزادی‌بخش داشته است. (آلستر مک گراث، درسنامه الهیات مسیحی، ص ۵۲۶).
۴۶. گرنز و السون، همان، ص ۳۱۵.
۴۷. همان، ص ۳۰۱ و رادز، آمریکای لاتین و مسیحیت انقلابی؛ چهره در حال تحول الهیات رهایی‌بخش، ص ۷۸-۷۹.
۴۸. لیلی مصطفوی کاشانی، شورای واتیکان دو؛ میعادگاه کلیسای کاتولیک با تجددگرایی، ص ۶.
۴۹. همان، ص ۷۶ - ۷۵
۵۰. Aggiornamento، این واژه «روزآمد کردن» یا «تجدید بنا» ترجمه می‌شود و مقصود از آن فرآیند نوسازی و روزآمد کردن الهیاتی، معنی و سازمانی است که خود ناشی از عمل شورای دوم واتیکان است. (مک گراث، درسنامه الهیات مسیحی، ص ۵۰۵ با اندکی تغییر)
51. Reformation
۵۲. لیلی مصطفوی کاشانی، شورای واتیکان دو، ص ۸۴ - ۸۲
۵۳. Gs: Gaudium et spes؛ شادی و امید (به زبان لاتینی) از اصول ارشادی کلیسا در جهان امروزی
۵۴. لیلی مصطفوی کاشانی، شورای واتیکان دو، ص ۵۰
55. Pilgrim
۵۶. اندرو والز، مسیحیت در جهان امروز، ص ۱۶۱ - ۱۵۹
۵۷. همان، ص ۱۶۲ - ۱۶۱
۵۸. Consejo Episcopal Latin Amricano: CELAM این شورا موظف است درباره مسائل و مشکلات عمومی کلیسای آمریکای لاتین مطالعه و تحقیق نموده و راه حل مناسب را پیشنهاد دهد. همچنین وظیفه

هماهنگی میان کلیساهای منطقه‌ای و واتیکان را عهده‌دار است. مقر دبیرخانه شورا در یوگوتا واقع در کلمبیاست. (عبدخدایی، واتیکان؛ کلیسای جهانی کاتولیک، ص ۲۷۰). عنوان لاتین این کنفرانس به صورت زیر است:

The Episcopal Council of Latin America

۵۹. اندرو والز، همان، ص ۱۶۲ - ۱۶۱

۶۰. همان، ص ۱۶۱ - ۱۵۹

۶۱. لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۵۱ - ۵۰؛ رک: همو، *شورای واتیکان دو* و نیز: تونی لین، *تاریخ تفکر مسیحی*، ص ۴۹۳ - ۴۸۹.

62. Pop Leo XIII

63. Mircea Eliade, *The Encyclopedia of Religion*, vol.3, P.393.

و نیز: آلن گیر برانت، *کلیسای انقلابی*، ص ۴.

64. Paolo Ferira

۶۵. آلن گیر برانت، همان، ص ۴

۶۶. داوود صالحی، *انقلاب در نیکاراگوئه*، ص ۱۶۹

67. Helder Camara

۶۸. منوچهر فکری ارشاد، *مسائل آمریکای لاتین*، ص ۱۸۵ - ۱۸۰

۶۹. آلنت گیر برانت، همان، ص ۲۱.

۷۰. لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۵۲.

۷۱. *Preferential Option for the Poor*. این اصطلاح از زمان کنفرانس اسقفان آمریکای لاتین در مدلین و پوئبلا مطرح شد و به مفهوم اعتبار و ارجحیت قائل شدن برای فقرا و محرومان و تعهد به آنهاست. (لیلی مصطفوی کاشانی، *کلیاتی درباره الهیات رهایی بخش*، ص ۳۵)

۷۲. همان، ص ۵۳ - ۵۲

۷۳. تونی لین، *تاریخ تفکر مسیحی*، ص ۵۱۹ - ۵۱۸.

۷۴. لیلی مصطفوی کاشانی، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۵۳ - ۵۲

۷۵. گرنز و السون، همان، ص ۳۱۴ - ۳۱۳

۷۶. همان، ص ۳۱۳

77. The first congress of Latin American theologians

78. Christian faith and the transformation of society in Latin America

79. The first formal contacts between liberation theologians and advocates of U.S. black liberation and other liberation movements-feminist, Amerindian, and...

80. Dar es Salaam in 1976, Accra in 1977, Wennappuwa, Sri Lanka, in 1979, Situ Paulo in 1980, Geneva in 1983, Oaxtepec, Mexico, in 1986.

۸۱. لئوناردو بوف، *الهیات آزادی بخش: نگاهی گذرا به پیشینه اندیشگی*، ص ۲۱.

۸۲. لیلی مصطفوی کاشانی، *کلیاتی درباره الهیات رهایی بخش*، ص ۴۴.

۸۳. همو، *پایان صد سال تنهایی*، ص ۵۰

۸۴. تونی لین، *تاریخ تفکر مسیحی*، ص ۵۱۸

۸۵. منوچهر فکری ارشاد، همان، ص ۸۷ - ۸۰

۸۶. رک: همان، ص ۱۹۲ - ۵۱

۸۷. آلن گیر برانت، همان، ص ۲۳۱

۸۸. همان، ص ۲۲۹ - ۲۲۸

۸۹. برای مطالعه بیشتر درباره اوضاع آمریکای لاتین در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ میلادی رک: بیلز، آمریکای لاتین دنیای انقلاب، ترجمه تبریزی؛ نیدرگانگ، بیست کشور آمریکای لاتین، ترجمه محمد قاضی؛ گراسی، وحشت در آمریکای لاتین، ترجمه آقایی و صفریان؛ جواد یوسفیان، جواد، کلیسای شورشی؛ مذهب و انقلاب در آمریکای لاتین. ۹۰. آلستر مک گراث، درسنامه الهیات مسیحی، ص ۲۰۲ - ۱۹۹.

#### 91. Tools Of Social Analysis

۹۲. آلستر مک گراث، همان، ص ۲۳۳؛ گرنز و السون، همان، ص ۳۳۰؛ ران رادز، همان، ص ۷۹؛ رک: دیوید مک للان، مسیحیت و سیاست، ص ۷۸ - ۷۴.

#### 93. Leonardo Boff

۹۴. لئوناردو بوف، الهیات آزادی بخش: نگاهی گذرا به پیشینه اندیشگی، ص ۲۲.

#### 95. Segundo Galilea

۹۶. لیلی مصطفوی کاشانی، پایان صد سال تنهایی، ص ۱۹۷ - ۱۹۶

۹۷. رک: ۱. مک گراث، درسنامه الهیات مسیحی، ص ۲۰۲ - ۱۹۷ و ۲۳۳ - ۲۳۲؛ ۲. گرنز و السون، همان، ص ۳۳۱ - ۳۳۰. ۳. ران رادز، همان؛ لئوناردو بوف، همان، ص ۲۳ - ۱۹ و ۵؛ اندرو والز، همان، ص ۱۶۲ - ۱۵۹. ۹۸. از این نویسنده کتاب های «تعلیم و تربیت ستمدیدگان» (با ترجمه احمد بیرشک و سیف‌اله داد)، «آموزش در جریان پیشرفت» (با ترجمه احمد بیرشک) و «آموزش در عمل، نامه‌های به گینه بیسائو» (با ترجمه لیلی مصطفوی کاشانی) در ایران منتشر شده است.

۹۹. Ivan Illich فیلسوف و کشیش کاتولیک اتریشی که آثار خود را درباره قدرت، درک و عمل، آموزش و پرورش، پزشکی، کار، استفاده از انرژی و توسعه اقتصادی منتشر کرده است. ۱۰۰. مک للان، مسیحیت و سیاست، ص ۶۹.

## منابع

- بتو، فری، *فیدل و مذهب: گفت‌وگوهای فیدل کاسترو با کشیش فری بتو*، ترجمه حسن پستا و سیروس طاهباز، تهران، همبستگی، ۱۳۶۷.
- برانت، آلن گیر، *کلیسای انقلابی*، ترجمه دکتر پرویز هوشمند راد، تهران، شباویز، ۱۳۶۷.
- برانت، ویلی، *جهان مسلح، جهان گرسنه*، ترجمه همایون‌پور، هرمز، چ سوم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰.
- براون، کالین، *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه میکائیلیان، طاطه وس، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵.
- بوف، لئوناردو، «الاهیات آزادی‌بخش؛ نگاهی گذرا به پیشینه اندیشگی»، ترجمه نفیسه نمودیان، *ماهنامه نامه*، بهمن ۱۳۸۲، ش ۲۹.
- بیلز، *آمریکای لاتین دنیای انقلاب*، ترجمه تبریزی، وح، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- بی‌نا، *تئولوژی مسیحیت آزادی‌بخش در آمریکای لاتین*، سند شماره ۵۷۵۲، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز اطلاع‌رسانی.
- بی‌نا، *گزارش سفر پاپ به آمریکای لاتین*، سند شماره ۴۸۳۵، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مرکز اطلاع‌رسانی.
- رادز، ران، *امریکای لاتین و مسیحیت انقلابی؛ چهره در حال تحول الاهیات رهایی‌بخش*، تهران، ویژه نامه سینمای سوم مرکز فرهنگی میثاق، ۱۳۸۴.
- صالحی، داوود، *انقلاب در نیکاراگوئه*، تهران، سهروردی، ۱۳۶۴.
- ظفری، محمدرضا، «الاهیات آزادی‌بخش»، *غرب در آینه فرهنگ*، ش ۱۰، خرداد ۱۳۸۰، ص ۱۱-۱۸.
- عبدخدایی، مجتبی، *واتیکان (کلیسای جهانی کاتولیک)*، تهران، بین‌المللی الهدی، ۱۳۸۲.
- عسگری، یاسر، «الاهیات آزادی‌بخش آمریکای لاتین و وجوه تمایز آن با الاهیات مسیحی معاصر»، *نقد و نظر*، ش ۵۶، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۵۶-۱۸۲.
- فریره، پائولو، *آموزش ستمدیدگان*، ترجمه بیرشک، احمد و داد، سیف‌اله، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۸.
- فکری ارشاد، منوچهر، *مسائل آمریکای لاتین*، تهران، توس، ۱۳۴۹.
- کاکس، هاروی، *مسیحیت*، ترجمه سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۷۸.
- گالنانو، ادواردو، *شریان‌های باز آمریکای لاتین*، ترجمه تمیمی عرب، محمد، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۱.
- گراسی، ج.، *وحشت در آمریکای لاتین*، ترجمه آقای، م. و صفریان، م.، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- گرنز، استنلی جی و السون، راجر. ای، *الاهیات مسیحی در قرن بیستم*، ترجمه آسریان، روبرت و آقامالیان، میشل، تهران، کتاب روشن، ۱۳۸۶.
- لین، تونی، *تاریخ تفکر مسیحی*، ترجمه آسریان، روبرت، تهران، نشر و پژوهش فرزانه روز، ۱۳۸۰.

- مصطفوی کاشانی، لیلی، پایان صد سال تنهایی؛ سیری در اعتقادات مذهبی مردم امریکای لاتین، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات بین المللی، ۱۳۷۴
- ، شورای واتیکان دو؛ میعادگاه کلیسای کاتولیک با تجددگرایی، تهران، بین المللی الهدی، ۱۳۷۸.
- ، کلیاتی درباره الاهیات رهایی بخش، تهران، موسسه بین المللی کتاب، ۱۳۶۷.
- مک کواری، جان، «چهره عیسی مسیح در مسیحیت معاصر»، ترجمه حدادی، بهروز، هفت آسمان، ش ۱۷، بهار ۱۳۸۲، ص ۲۳۴-۲۰۵.
- مک گراث، آلستر، درسنامه الاهیات مسیحی (شماخصه ها، منابع و روش ها)، ترجمه حدادی، بهروز، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴.
- مک للان، دیوید، مسیحیت و سیاست، ترجمه نظر آهاری، رضا، تهران، نگاه معاصر، ۱۳۸۷.
- نیدرگانگ، ف، بیست کشور امریکای لاتین، ترجمه محمد قاضی، تهران، خوارزمی، ۱۳۵۷.
- واشبرن، ویلکمب، سرزمین مرد سرخ پوست، قانون مرد سفید پوست، ترجمه قاضیانی، هنگامه و بهار، خشایار، تهران، ثالث، ۱۳۷۸.
- والز، اندرو، مسیحیت در جهان امروز، ترجمه مفتاح، احمدرضا و بخشنده، حمید، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
- هینلز، جان آر، فرهنگ ادیان جهان، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۵.
- یوسفیان، جواد، کلیسای شورشی؛ مذهب و انقلاب در امریکای لاتین، تهران، نی، ۱۳۶۸.
- Eliade, Mircea, "The Encyclopedia of Religion", Christianity in Latin America, Cidney H. Rooy, V3, P.333 & p.394.
- Boff, Leonardo and Clodovis, A Concise History of Liberation Theology, <http://home.comcast.net/~chtongyu/liberation/boff.html>